

مطالعه تطبیقی اعتراض ثالث به ورشکستگی در حقوق ایران، مصر و الجزایر

مصطفی السان (نویسنده مسؤل)

دانشیار، گروه حقوق تجارت بین الملل و حقوق مالکیت فکری و فضای مجازی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

m_elsan@sbu.ac.ir

محمدرضا اکبری

دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

ordibehesht1897@gmail.com

قابل انتشار در شماره شماره ۵۹ (پاییز ۱۴۰۳) نشریه پژوهشهای حقوقی

چکیده:

بحث اعتراض شخص ثالث به حکم ورشکستگی یکی از مباحث مهم در نظام حقوقی کشورمان می‌باشد. نوسان قیمت‌ها و وجود تورم در اقتصاد، تحریم‌های اقتصادی و نقص در قوانین و مقررات از عواملی هستند که موجب طرح موضوع ورشکستگی واقعی یا صوری بازرگانان در دادگاه می‌شوند. از آن جهت که ورشکستگی به طور مستقیم بر حقوق بستانکاران و میزان بدهی تاجر ورشکسته تأثیر دارد، در قوانین کشورهای مختلف، اعتراض شخص ثالث به ورشکستگی پیش‌بینی شده و مقررات، قواعد و آثار خاصی برای این موضوع مقرر شده است. شباهت مهلت اعتراض شخص ثالث نسبت به ورشکستگی در حقوق ایران، مصر و الجزایر بر مقید بودن این نوع از اعتراض و عدم تبعیت آن از مقررات عام قانون آیین دادرسی مدنی، دلالت دارد.

در این مقاله، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، مصر و الجزایر مفهوم معترض ثالث در اعتراض به ورشکستگی، تشریفات طرح و رسیدگی به اعتراض ثالث به ورشکستگی و آثار آن، مهلت طرح اعتراض شخص ثالث به حکم ورشکستگی و راهکارهای کاهش سوء استفاده از مهلت اعتراض ثالث نسبت به ورشکستگی بررسی می‌شود. تفکیک میان حکم ورشکستگی و تعیین تاریخ توقف، امکان یا عدم امکان طرح اعاده دادرسی نسبت به حکم ورشکستگی، دقت در رسیدگی به دعاوی توقف و ورشکستگی، امکان یا عدم امکان استیناف از حکم ورشکستگی و بطلان نسبی در قراردادهای تاجر ورشکسته از راهکارهای کاهش سوء استفاده از مقررات ورشکستگی می‌باشد که در این مقاله بررسی گردیده و راهکارهای عملی و اجرایی مرتبط برای حقوق کشورمان ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: اعتراض ثالث، ورشکستگی، مهلت، تاریخ توقف، رویه قضایی.

مقدمه

اعتراض ثالث به رای ورشکستگی یکی از انواع اعتراض ثالث می‌باشد که به طور معمول در دادگستری طرح می‌شود. این امر، از جمله از وصف خاص حکم ورشکستگی و نحوه تعیین تاریخ توقف ناشی می‌شود. زیرا قانون تجارت مقررات خاصی برای نحوه درخواست یا ادعای ورشکستگی تعیین کرده و تشخیص و تصدیق تمام طلبکاران یا طرف دعوا بودن آنها را حین اقدام به ورشکستگی شرط ندانسته است.

از سوی دیگر، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی حاوی تشریفات خاصی برای اعتراض ثالث بوده و از جمله این اقدام را مقید به مهلت نمی‌داند. امری که خلاف آن در قانون تجارت در مورد ورشکستگی مقرر شده است. این تعارض ها و مسایل دیگر موجب صدور آرای متعارض یا متفاوتی از شعب مختلف دادگاهها شده است. این پایان نامه، موضوع اعتراض شخص ثالث به حکم ورشکستگی را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده و راهکارهایی را برای نظام حقوقی کشورمان با تاکید بر رویه قضایی ارایه می‌کند.

صرف نظر از ماهیت حکم ورشکستگی و اعم از اینکه دعوی ورشکستگی، امر حسبی، دعوی اعلامی یا دعوی تأسیسی تلقی گردد، حکمی که در خصوص ورشکستگی صادر می‌شود و نیز تاریخ توقفی که در آن تعیین می‌شود، از جانب شخص ثالث قابل اعتراض می‌باشد. در این خصوص باید به اطلاق مواد ۴۱۷ و ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۴۴ قانون امور حسبی استناد کرد.

در نظام حقوقی ایران در خصوص ورشکستگی تاجر قانونگذار مقررات خاصی را در باب یازدهم قانون تجارت (مواد ۴۱۲ به بعد) پیش‌بینی نموده و بر اساس ماده ۴۱۲ قانون تجارت ورشکستگی تاجر در نتیجه توقف از (تأدیة) وجهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود. از یک سو قانونگذار در مواد ۵۳۶ الی ۵۴۰ قانون تجارت در طرق شکایت از احکام ورشکستگی تشریفات خاصی را پیش‌بینی نموده و از سوی دیگر در آیین دادرسی مدنی در مبحث اعتراض شخص ثالث موضوع مواد ۴۱۷ الی ۴۲۵ قانونگذار مقرراتی را راجع به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به احکام قطعی مقرر نموده است.

در قانون تجارت الجزایر صراحتاً آمده است که اعتراض به حکم ورشکستگی با ساز و کارهای عادی یعنی اعتراض و تجدید نظر صورت می‌گیرد. اما این امر در قواعد عمومی مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی و اداری الجزایر نیامده است. در مقابل (قانون تجارت) به روش‌های فوق العاده شکایت نپرداخته؛ زیرا قواعد عمومی در مورد آنها جاری است.

بند اول ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی و اداری الجزایر تصریح می‌کند: «تجدید نظر و اعتراض، شیوه‌های عادی شکایت از رأی می‌باشند». بنابراین، با این ساز و کارها، اعتراض به حکم ورشکستگی جایز است. قانونگذار الجزایر در قانون تجارت الجزایر چند ماده قانونی، از ماده ۲۳۱ تا ۲۳۴ را به این موضوع اختصاص داده است. این امر با قوانین دیگر از جمله قانون مصر، لبنان، اردن و کویت مطابقت دارد.

در حقوق الجزایر و مصر، معارضه، یکی از ساز و کارهای عادی شکایت از رأی است که طرف دعوی غایب آن را به کار می‌گیرد. این روش اجازه می‌دهد حکم یا رای غیابی بازبینی شده و موضوع از جهت امور حکمی

و موضوعی توسط همان نهاد (دادگاه یا شورای قضایی) که حکم یا رأی غیابی را صادر نموده، مورد رسیدگی دوباره قرار بگیرد. به استثنای تصمیمات دیوان عالی که قابل معارضه نیست.^۱

در این مقاله اعتراض ثالث به ورشکستگی با تأکید بر رویه قضایی و نیز با تأکید بر مهلت این نوع از اعتراض، به صورت تطبیقی در حقوق ایران، مصر و الجزایر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این بررسی در چهار گفتار بدین شرح انجام می‌شود: مفهوم معترض ثالث در اعتراض به ورشکستگی (گفتار اول)، تشریفات طرح و رسیدگی به اعتراض ثالث به ورشکستگی و آثار آن (گفتار دوم)، مهلت طرح اعتراض شخص ثالث به حکم ورشکستگی (گفتار سوم) و راهکارهای کاهش سوء استفاده از مهلت اعتراض ثالث نسبت به ورشکستگی (گفتار چهارم).

۱. مفهوم معترض ثالث در اعتراض به ورشکستگی

وفق ماده ۴۱۵ قانون تجارت، تقاضای ورشکستگی می‌تواند از جانب تاجر، طلبکاران یا دادستان به عمل آید. از این حیث، دعوی ورشکستگی دعوی خاصی است که امکان دارد ذینفعان مختلف با منافع متفاوتی داشته باشد.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که هرگاه تقاضای ورشکستگی توسط طلبکاران تاجر به عمل آمده باشد، آیا طرف (خواننده) قرار دادن دادستان (مدعی‌العموم) شرط می‌باشد یا خیر؟

چنین الزامی در ماده ۴۱۵ یا مواد دیگر قانون تجارت به طور صریح پیش‌بینی نشده است. در رویه قضایی نیز، این دیدگاه مطرح شده که: «رسیدگی ماهیتی به خواسته صدور حکم ورشکستگی ملازمه ای با طرف دعوا قرار دادن دادستان به عنوان مدعی‌العموم ندارد؛ چرا که دادستان در موضوع ورشکستگی ذی نفع نیست. بنابراین رد دعوی و عدم رسیدگی ماهیتی به موضوع در این فرض قابل پذیرش نیست».^۲

در رویه قضایی ایران، دیدگاه دیگر این است که «دعوی صدور حکم ورشکستگی بدون دخالت مدعی‌العموم با قرار رد دعوی مواجه می‌شود؛ زیرا مداخله مدعی‌العموم از حیث رعایت و حفظ حقوق و مصالح غرما و نیز واکنش احتمالی در صورت ورشکستگی به تقصیر و تقلب ضرورت دارد».^۳

در عین حال، اگر به هر دلیل دادستان خواننده قرار نگرفته و حکم ورشکستگی صادر شده باشد، دادستان می‌تواند به عنوان ثالث به چنین حکمی اعتراض کند. اعتراض دادستان از حیث مهلت، تابع قواعد عمومی مرتبط (از جمله مهلت موضوع ماده ۵۳۷ ق.ت و رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور) خواهد بود. زیرا در این مورد، مدعی‌العموم خصوصیتی ندارد که مهلت بیشتر یا تشریفات متفاوتی از حیث اعتراض ثالث برای وی در نظر گرفته شود.

^۱ برباره، عبدالرحمان. شرح قانون الاجراءات المدنیة و الإلداریه، (الجزائر: منشورات بغدادی)، ۲۰۰۹، ۲۴۶.

^۲ رأی شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۳۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۳۰ شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^۳ رأی شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۴۱۸۰۰۵۰۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۵ شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

باید توجه داشت که «در دعوی ورشکستگی علاوه بر دادستان، طلبکاران نیز باید طرف دعوا قرار گیرند تا امکان دفاع پیدا کنند بنابراین اگر دعوا تنها به طرفیت دادستان طرح شود، قرار رد دعوا صادر خواهد شد».^۴ بدیهی است اگر طلبکاران تاجر در جریان رسیدگی به دعوی ورشکستگی از چنین دعوی آگاه شوند، وفق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، می‌توانند تا زمانی که ختم دادرسی اعلام نشده، به عنوان شخص ثالث وارد دعوا شوند. در این خصوص ماده ۴۲۰ قانون تجارت تصریح دارد: «محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد».

«مالک ملکی که جهت ضمانت از تاجر برای اخذ وام بانکی در رهن قرار گرفته، در صورت عدم تأدیه طلب بانک مرتهن و یا تملک ملک در جریان عملیات اجرایی، طلبکار محسوب نمی‌شود و حق اعلام ورشکستگی تاجر را ندارد».^۵ با این توضیح که هرگاه تاجر گیرنده تسهیلات، اقساط وام دریافتی را پرداخت نکرده و بانک درصدد عملیات اجرایی بر تملک مال مرهونه برآمده باشد؛ نظر به اینکه عدم تأدیه طلب بانک مرتهن وفق موازین و مقررات قانونی و یا تملک ملک در جریان عملیات اجرایی، خواهان، بستانکار خوانده ردیف اول تلقی نمی‌گردد تا در زمره طلبکار تاجر اختیار تقاضای اعلام ورشکستگی را داشته باشد و از این رو نفعی از اقدام فوق متوجه نامبرده نمی‌باشد.

باید توجه داشت «هر چند اداره ورشکستگی به قائم مقامی از ورشکسته به دفاع از دعوی ورشکستگی بپردازد، ولی این امر مسقط حق تاجر ورشکسته در اعتراض به آرای اصداری که در تعارض با حقوق وی می‌باشد، نیست».^۶

قانونگذار قانون تجارت الجزایر اجازه داده است که حکم ورشکستگی، در صورتی که به صورت غیابی صادر شده باشد، به روش معارضه مورد اعتراض واقع شود؛ اما این اعتراض به حکم ورشکستگی منحصر به شخص ورشکسته نیست؛ بلکه هر کسی که ذینفع در معارضه می‌باشد، مجاز است اعتراض نماید. در صورتی که ذینفع، صراحتاً یا به طور ضمنی حکم ورشکستگی را بپذیرد، حق اعتراض به حکم از او ساقط می‌شود. و رضایت مدیون نسبت به حکم و انصراف وی از اعتراض به حکم، تاثیری در حق اعتراض دیگر اشخاص ذینفع ندارد.^۷ هرچند چنین اشخاصی، جزء طرفین دعوا نباشد. با توجه به اعتبار و حجیت مطلقی که در مقابل همگان دارد و در این زمینه دادگاه تجدیدنظر مصر حکم نموده که: «باتوجه به آثاری که حکم ورشکستگی علاوه بر طرفین دعوا نسبت به اشخاص ثالث دارد که منافع آنان تحت تاثیر حکم قرار می‌گیرد».^۸

مقصود از ذینفع، هر شخصی است که جزء طرفین دعوی ورشکستگی نباشد. یعنی کسانی که دارای حقوقی هستند که تحت تاثیر اعلام ورشکستگی مدیون قرار می‌گیرد، اما به عنوان طلبکار فرصت حضور در دادگاه

^۴ رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۱۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۷ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^۵ رأی شماره ۹۲۰۹۹۸۰۰۱۱۱۰۰۶۴۳ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۰ شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^۶ رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۳۳۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۳۱ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^۷ خلیل، احمد محمود. *الافلاس التجاري و الاعسار الملنی*، (الاسکندریه: منشأ المعارف، ۱۹۹۹)، ۷۸.

^۸ فایز، رضوان نعیم. *قانون التجاره، الجزء الثانی، العقود التجاریه و الافلاس*، (الطبعة الثالثة، القاهرة: دار النهضة العربیة، ۲۰۰۱-۲۰۰۲).

جهت دفاع از آن حقوق و مطالبات مالی خود را نداشته باشند و نیز اشخاصی که با مدیون ورشکسته در دوره توقف معامله انجام داده‌اند.^۹

۲. تشریفات طرح و رسیدگی به اعتراض ثالث به ورشکستگی و آثار آن

قانونگذار می‌توانست احکام ویژه‌ای برای اعتراض به حکم ورشکستگی را مقرر نداشته و آن را موکول به قواعد عمومی مصرح در قانون مرافعات نماید. اما قانونگذار ویژگی‌هایی را که حکم ورشکستگی را از دیگر احکام متمایز می‌کند، مدنظر قرار داده است. زیرا اثر این حکم فقط به طرفین دعوا منحصر نبوده، بلکه با منافع بستانکاران - که امکان دارد متعدد باشند و نیز منافع عمومی در ارتباط است.^{۱۰} در عین حال، قانونگذار تسریع در تعیین سرنوشت این حکم را اراده کرده است. برای اینکه این حکم مدت زمان طولانی به عنوان اهرمی بر علیه محکوم‌علیه (تاجر ورشکسته) مورد استفاده قرار نگیرد. بنابراین برای اعتراض به این حکم موعد جداگانه‌ای به غیر از مواعد عادی تعیین نموده است. به همین دلیل در مواد ۵۶۵ تا ۵۶۸ قانون تجارت سال ۱۹۹۹ مصر به قواعد مرتبط با اعتراض به ورشکستگی پرداخته شده است.^{۱۱} در مورد اینکه چه اشخاصی باید خوانده (طرف) دعوی ورشکستگی قرار گیرند، دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه این است که «طرح دعوی توقف و ورشکستگی از سوی تاجر می‌بایست به جهت لزوم تدارک شرایط دفاع برابر به طرفیت همه بستانکاران اقامه گردد به ویژه در فرضی که بانک بستانکار باشد با توجه به آثار حکم ورشکستگی در رابطه با بازپرداخت های وام و تسهیلات دریافتی و تأثیر زمان توقف در رابطه با سود وام ضرورت طرف دعوا قرار گرفتن بستانکار برای دفاع از دعوا و ارائه دلایل برای رد آن بیش از بیش آشکار می‌گردد».^{۱۲}

همچنین اظهار شده: «رسیدگی به دعوی ورشکستگی مستلزم حضور و دخالت دادستان به عنوان مدعی العموم و احد از خواندگان از حیث حفظ حقوق غرما و واکنش احتمالی در فرض ورشکستگی به تقصیر یا تقلب شرکت است؛ در غیراین صورت قرار رد دعوی صادر می‌شود».^{۱۳} البته «خواندگان دعوی اعتراض ثالث، همان اصحاب دعوی ورشکستگی هستند و لزومی به خوانده قرار دادن اداره تصفیه و ورشکستگی نیست».^{۱۴} در عین حال، هیچ ضمانت‌اجرایی برای خوانده قرار ندادن تمام و یا حتی اکثریت بستانکاران از جانب تاجری که ادعای ورشکستگی دارد، موجود نیست؛ به همین دلیل، بایی برای سوء استفاده باز می‌شود و مقفن - به زعم خود - اعتراض ثالث را برای حفظ حقوق اشخاص ثالث در چنین مواردی پیش‌بینی کرده است.

^۹ همان.

^{۱۰} الهلالات، محمدعلی و محمدعلیان العزام. «النظام القانوني لصدور حکم بشهر الإفلاس فی القانون الأردنی مقارنة مع القانون المصری»، (دفاتر السیاسه والقانون، العدد الخامس عشر، جوان ۲۰۱۶)، ۶۵۹.

^{۱۱} القلیوبی، سمیحه. *أحكام الإفلاس*، (الطبعة الأولى، القاهرة: دار النهضة العربیة، ۲۰۰۸)، ۱۱۵.

^{۱۲} رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۱۲۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^{۱۳} رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۱۴۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۶ شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^{۱۴} رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۱۳۴۸ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

این وضعیت، از ذات و ماهیت خاص «ورشکستگی» ناشی می‌شود. تا بدان جا که گاه ادعا می‌شود که ورشکستگی یک امر حسبی بوده و اساساً ادعای راجع به آن یک دعوی ترافیعی نبوده و لذا تابع احکام و آثار دعوی نمی‌باشد. «ادعای ورشکستگی یک اعلام وضعیت مالی است و دعوی حقوقی به معنای خاص محسوب نمی‌شود و منصرف از جهت اعتراض ثالث موضوع آیین دادرسی مدنی است؛ بنابراین اشخاص متضرر از حکم ورشکستگی در مهلت مندرج در قانون تجارت حق اعتراض به آن را دارند».^{۱۵}

در این راستا، همچنین اظهار شده: از مواد قانون تجارت استنباط نمی‌شود که دعوی ورشکستگی، ترافیعی باشد؛ خواه به طرفیت دادستان طرح بشود خواه به طرفیت اشخاص دیگر. آنچه که از متن ماده برمی‌آید تاجر فقط اظهار یا اعلام ورشکستگی می‌کند. اساساً ضرورت تسریع در امر درخواست ورشکستگی، ایجاب می‌کند دعوا ترافیعی نباشد؛ چراکه با اعلام ورشکستگی از سوی دادگاه، ورشکسته، دیگر حق مداخله در اموالش را ندارد. اگر این دیدگاه را نپذیریم امکان دارد دعوی ورشکستگی زیاد طول بکشد و در این مدت، تاجر اموال خود را انتقال دهد یا مخفی کند. برای جبران ضرر و زیان طلبکاران نیز راهکارهایی در مواد ۵۳۶ و ۵۳۷ قانون تجارت پیش‌بینی شده است.^{۱۶} فرض تمامی اظهارنظرهای فوق، ویژه موردی است که اظهار ورشکستگی از جانب خود تاجر به عمل آید و در فرضی که طلبکاران تاجر دعوی توقف و ورشکستگی وی را طرح کنند، این استدلال‌ها قابل پذیرش نبوده و قیاس یان دو فرض، قیاسی مع‌الفارق می‌باشد.

با توجه به ملاک ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی)، دعوی ورشکستگی و نیز دعوی تعیین تاریخ توقف را باید دعوی غیرمالی محسوب داشت. لذا تجدیدنظرخواهی از آرای قاطعی که در مورد این دو نوع خواسته صادر می‌شود، تابع قواعد مربوط به شکایت از آرای غیرمالی می‌باشد که از جمله در بند (ب) ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است.

یکی از اسانید حقوق تجارت، مرجع اعتراض ثالث به ورشکستگی را محدود به دادگاه بدوی دانسته و از این حیث آن را شبیه وخواهی دانسته است.^{۱۷} این تحلیل را نمی‌توان به طور مطلق پذیرفت. زیرا اگر حکم ورشکستگی در دادگاه تجدیدنظر صادر و به طور کلی قطعی شده باشد، وفق ماده ۴۲۰ ق.آ.د.م، مرجع اعتراض ثالث، دادگاه تجدیدنظر خواهد بود. در واقع، قانون تجارت در مقام تعیین مرجع صالح در خصوص اعتراض به ورشکستگی نبوده و نمی‌تواند باشد.

قانون تجارت در مواردی همچون بحث ورشکستگی، گاه وارد حوزه حقوق شکلی شده و مقرراتی را وضع کرده است. ماده ۴۲۰ ق.ت از جمله این موارد است؛ برخلاف ظاهر این ماده، ورود شخص ثالث در دعوی ورشکستگی، حقی برای ثالث می‌باشد و نیازی به اجازه دادگاه برای ورود ثالث نمی‌باشد. در نتیجه ثالث می‌تواند در جریان دادرسی و تا زمانی که ختم دادرسی اعلام نشده، چه در مقطع بدوی و چه در مقطع تجدیدنظر با تقدیم دادخواست وارد دعوا شود. البته، باید توجه داشت که وفق ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی

^{۱۵} رأی شماره ۲۲۷-۰۲۲۳۷۰۹۹۷۰۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۰ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^{۱۶} نجفی، حمیدرضا. «گزارش نشست نقد رأی: طرف دعوی ورشکستگی (نقد رویه قضایی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران)».

(فصلنامه رأی، دوره ۳، شماره پیاپی ۹، اسفند ۱۳۹۳): ۱۴۴-۱۴۳.

^{۱۷} سیمایی صراف، حسین. حقوق ورشکستگی و تصفیه اموال ورشکسته. (چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷)، ۸۸.

مدنی، «هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی و یا تاخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوای اصلی منوط به رسیدگی به دعوای ثالث نمی‌باشد، دعوای ثالث را از دعوای اصلی تفکیک نموده به هریک جداگانه رسیدگی می‌کند».

قانونگذار الجزایر در مورد حکم ورشکستگی، به تشریفات مرتبط با اعتراض نپرداخته است. بنابراین اعتراض و شکایت از حکم ورشکستگی، تابع تشریفات مصرح در قانون آیین دادرسی مدنی و اداری می‌باشد.

دادخواست اعتراض، بر اساس شیوه‌های مقرر در باب دادخواست طرح دعوای مصرح در ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی و اداری الجزایر و مواد بعدی این قانون، مبنی بر این که ابلاغیه رسمی دادخواست به همه طرف‌های دعوا انجام پذیرد، طرح می‌گردد (ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی و اداری الجزایر).^{۱۸} همچنین باید به نماینده مقام قضایی به عنوان نماینده مدیون ورشکسته و طلبکاران ابلاغ شود.

اگر حکم ورشکستگی بنابر درخواست یکی از طلبکاران صادر شود، باید مراتب معارضه (اعتراض به حکم) به او نیز ابلاغ شود. همانطور که دادخواست اعتراض شخص ثالث به چنین حکمی نیز باید به طلبکاری که دادخواست ورشکستگی تاجر را داده - به جهت نفعی که نقض احتمالی حکم ورشکستگی برای او به دنبال دارد - ابلاغ شود.^{۱۹}

صرف اعتراض ثالث به ورشکستگی اثر تعلیقی ندارد. این موضوع از ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسی کشورمان قابل استنباط بوده و در ماده ۲۲۷ قانون تجارت الجزایر نیز تصریح شده است. در حقوق مصر نیز همین امر مورد پذیرش می‌باشد.^{۲۰}

حکمی که در نتیجه اعتراض شخص ثالث صادر می‌شود، در صورتی که منطوق آن مبنی بر قبول این اعتراض باشد، علی‌القاعده حکمی غیرقابل تجزیه بوده و آثار آن به همه اشخاصی که طرف دعوای ورشکستگی بوده‌اند یا طلبکارانی که طرف چنین دعوایی نبوده‌اند، تسری خواهد یافت.^{۲۱}

۳. مهلت طرح اعتراض شخص ثالث به حکم ورشکستگی

ماده ۵۶۵ قانون تجارت مصر تصریح می‌کند: هر شخص ذینفعی، به غیر از طرفین دعوا، مجاز است طی ۳۰ روز از تاریخ انتشار در روزنامه، نسبت به حکم اعلام ورشکستگی در دادگاهی که حکم را صادر کرده، اعتراض نماید. به شرطی که از حکم تجدیدنظرخواهی نشده باشد. در فرض تجدیدنظرخواهی، اعتراض ثالث در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر خواهد بود.

ماده ۵۳۷ قانون تجارت ایران در حکم مشابهی مقرر می‌دارد: «اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیم‌اند در ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارجه اقامت

^{۱۸} کمال طه، مصطفی، اصول القانون التجاري، الاوراق التجارية و الافلاس، (لبنان: منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۶)، ۳۶۱.

^{۱۹} برباره، عبدالرحمان، شرح قانون الاجراءات المدنية و الادارية، ۲۴۹.

^{۲۰} دويدار، محمدطلمت، الطعن في حكم الافلاس، (مصر: دار الجامعية الجديدة للنشر، ۲۰۰۸)، ۱۷۲-۱۷۱.

^{۲۱} محرز، احمد محمد. نظام الافلاس في القانون التجاري الجزائري، (الطبعة الثانية، الجزائر: د.د.ن، ۲۰۰۱).

دارند در ظرف دو ماه به عمل آید..» مقنن در این ماده به لحاظ عدم قابلیت شناسایی اشخاص ذینفع در هنگام رسیدگی به دعوی ترافیعی ورشکستگی، جهت حفظ حقوق آنان و بهره‌مندی از ظرفیت رسیدگی مرحله بدوی، بر خلاف سایر دعاوی، یک طریقه عادی اعتراض به حکم را پذیرفته است و این طریقه عادی اعتراض را مقید به مهلت یک ماه از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی دانسته است.^{۲۲}

این ماده در تعارض با ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد که هیچ مهلتی برای اعتراض شخص ثالث تعیین نکرده است.^{۲۳} با این وصف، در خصوص مهلت طرح اعتراض شخص ثالث به حکم ورشکستگی دو دیدگاه مطرح می‌شود.

به موجب دیدگاه اول، «با توجه به اینکه به موجب ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی، قانون مذکور در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی به کار می‌رود و دعاوی ورشکستگی از جمله دعاوی بازرگانی می‌باشد و به موجب ماده ۵۲۹ قانون موصوف، سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی گردیده است و با لحاظ امره بودن قانون آیین دادرسی مدنی و اینکه به موجب ماده ۴۱۷ آن قانون دعوی اعتراض ثالث نسبت به احکام دادگاه‌ها دارای مهلت نمی‌باشد»، لذا دعوی اعتراض به حکم ورشکستگی مقید به مهلت یک ماهه مذکور در ماده ۵۳۷ ق.ت. نبوده و ثالث می‌تواند در هر زمانی به این حکم اعتراض کند.

دیدگاه دوم بر این امر قایل است که «قانون تجارت و مقررات ورشکستگی خاص می‌باشد و به موجب مقررات قانون تجارت باید حکم ورشکستگی آگهی و اشخاص ذی‌نفع و طلبکاران در فرجه زمانی معین و محدودی اعتراض نمایند و این امر در مواد ۵۳۷، ۵۳۸ و ۵۳۹ قانون تجارت قید شده است. لذا، اعتراض ثالث بعد از مهلت یک ماهه مذکور در ماده ۵۳۷ قانون تجارت که از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی آغاز می‌گردد، به استناد ماده ۵۳۷ قانون تجارت و ماده ۸۹ و بند ۱۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، منتهی به قرار رد دعوی اعتراض ثالث می‌شود».

همچنین استدلال شده، «لازم به ذکر است که مهلت درخواست تجدیدنظر مقرر در ماده ۲۷ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ناظر به موارد مذکور در ماده ۱۹ آن قانون می‌باشد نه نسبت به موارد مصرح در قانون خاص تجارت که ماده ۱۹ قانون مذکور هم به موجب ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی لغو شده است».^{۲۴}

در توجیه دیدگاه دوم، از جمله گفته شده: «در خصوص اعتراض ثالث مذکور در قانون آیین دادرسی، مهلت خاصی وجود ندارد و هر موقع ثالث از رأی یا حکمی مطلع شود که حقوق وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد می‌تواند به آن اعتراض کند. زیرا حکم مورد نظر به ثالث ابلاغ نمی‌شود. اما قانون تجارت برای اعتراض موضوع ماده ۵۳۷ ق.ت. مهلت زمانی پیش‌بینی کرده چون که حکم ورشکستگی برای اطلاع عموم اعلان

^{۲۲} دیدگاه دادستان کل کشور در پرونده منتهی به رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

^{۲۳} احمدی، خلیل. «تاملی در شرایط دعوی اعتراض شخص ثالث». (فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی. دوره ۴، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۵)، ۹-۳۳.

^{۲۴} افتخاری، جواد. حقوق تجارت ۴ - (نظری و کاربردی) ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی، (چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۹)، ۱۱۲.

می‌شود و نیز با نشر آگهی فرض بر اطلاع اشخاص ذینفع است.^{۲۵} این تحلیل را نمی‌توان به طور مطلق پذیرفت؛ زیرا در احکام غیابی و به طور کلی، هر حکمی که به صورت قانونی (نه واقعی) ابلاغ می‌شود، فرض بر اطلاع محکوم‌علیه می‌باشد؛ اما مقنن در ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م و تبصره یک این ماده، اثبات خلاف این فرض از جانب محکوم‌علیه غیابی را ممکن دانسته و برای وی حق واخواهی خارج از مهلت را به رسمیت شناخته است.

با توجه به آثار عملی این اختلافات، رأی وحدت رویه در مقام اختلاف میان دو دادگاه صادر گردیده و منشأ اختلاف، دو دیدگاه متفاوتی است که در میان حقوقدانان در خصوص مهلت اعتراض به ورشکستگی وجود دارد. رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور تصریح دارد که مهلت اعتراض اشخاص ذینفع (از جمله ثالث) به احکام ورشکستگی همان است که در ماده ۵۳۷ قانون تجارت آمده است)،

در مذاکرات منتهی به رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نظر دادستان کل کشور و اکثریت قضات، بر تأیید دیدگاه دوم (مقید به مهلت بودن اعتراض ثالث به ورشکستگی) بوده است. پیش از تصویب رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹، برخی از اساتید حقوق نیز قایل به بقای ماده ۵۳۷ ق.ت و عدم نسخ آن با مقررات بعدی در حوزه آیین دادرسی مدنی بوده‌اند. با این استدلال که مقررات قانون آیین دادرسی مدنی عام بوده و عام موخر، حکم خاص مقدم را نسخ نمی‌کند.^{۲۶}

اگر چه در حکم ورشکستگی، ذکر مشخصات کلیه طلبکاران مقدور نیست، اما این حکم در غیاب آنان صادر شده و نسبت به حقوق قانونی آنان تأثیر می‌گذارد و این اشخاص در حقیقت جزو اصحاب دعوی ورشکستگی محسوب می‌شوند و باید برای حفظ حقوق آنان در مرحله بدوی حق اعتراض آنان را محفوظ دانست. همچنان که در سایر دعاوی برای حفظ حقوق غائبین حق واخواهی پیش‌بینی شده است، در دعوی ورشکستگی نیز برای غائبین ذینفع طریقه عادی اعتراض پذیرفته شده است.

مؤید این امر، پیش‌بینی مرحله استیناف در ماده ۵۳۹ قانون مذکور، بعد از پذیرش اعتراض ذینفع در ماده ۵۳۷ آن قانون است. این منطقاً قابل پذیرش نیست که بگوییم قانونگذار اول اعتراض ثالث را پذیرفته و بعداً مرحله تجدیدنظر و استیناف را.

مقنن در ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، در مقام بیان طرق اعتراض فوق‌العاده از آرای محاکم است و در این مرحله از رسیدگی شخص ثالث بدون رعایت هیچ مهلت قانونی می‌تواند نسبت به آراء محاکم اعتراض نماید و حکم مقرر در این ماده هیچگونه تداخل قلمروی با حکم مقرر در ماده ۵۳۷ قانون تجارت ندارد؛ چرا که مقنن در فصل یازدهم قانون تجارت که شامل مواد ۵۳۶ تا ۵۴۰ آن قانون است حکمی در رابطه با اعتراض ثالث و اعاده دادرسی بعد از استیناف بیان ننموده است.

^{۲۵} عبدی‌پور فرد، ابراهیم. حقوق ورشکستگی (حقوق تجارت جلد چهارم)، (چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۱)، ۱۳۹-۱۴۰.

^{۲۶} عبدی‌پور فرد، ابراهیم. حقوق ورشکستگی (حقوق تجارت جلد چهارم)، (چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۱)، ۱۴۱.

ماده یک قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به رعایت مقررات آن در امور بازرگانی تأکید دارد و این قاعده آمره است. اما در رابطه با اینکه ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی ماده ۵۳۷ قانون تجارت را نسخ نموده است به لحاظ اختلاف در قلمرو، اعمال بحث ناسخ و منسوخ منتفی است. در عمل نیز چنانچه حکم ورشکستگی صحیحاً صادر شده باشد، اعتراض ثالث بر آن تأثیری نمی‌گذارد، اما اگر حکم ورشکستگی صحیحاً صادر نشده است، فلسفه اعتراض فوق‌العاده احکام بر آن جاری و ساری است. مضافاً از جنبه اجرایی، اقدامات مدیر تصفیه بالاتر از اقدامات اجرایی، دوایر اجرای احکام مدنی دادگستری نیست. همچنانکه در قانون اجرای احکام مدنی، اعاده اجرا به موجب حکم نهایی پذیرفته شده است در اینجا نیز مطابق حکم نهایی اقدام خواهد شد.

به هر حال، با توجه به اعتبار و لازم‌الاجرا بودن رأی وحدت رویه، چاره‌ای جز مقید دانستن اعتراض ثالث به ورشکستگی به مهلت نیست؛ هر چند که این امر توالی فاسدی داشته و خواهد داشت. این مهلت، وفق ماده ۵۳۷ قانون تجارت در تاریخ اعلان حکم ورشکستگی شروع می‌شود. «اعلان به معنی نشانه نهادن، اخبار، خبردادن و مترادف با واژه اعلام بوده و از حیث بار حقوقی با کلمه ابلاغ که همانا به معنی رساندن اوراق دعوی و اوراق اجرایی به کسی که هدف آگاه کردن اوست متفاوت است».^{۲۷}

دیدگاه سومی نیز مطرح شده و در این دیدگاه اظهار گردیده: «به نظر می‌رسد اگر معترض در ظرف مهلت‌های قانونی مقرر در ماده ۵۳۷ اعتراض نکرده باشد می‌تواند از نهاد اعتراض ثالث [موضوع ماده ۴۱۷ به بعد ق.آ.د.م.] استفاده کند».^{۲۸} این دیدگاه قابل ایراد می‌باشد؛ زیرا پذیرش آن با وجود رأی وحدت رویه، عملاً موجب بی‌اثر شدن مهلت مقرر در ماده ۵۳۷ ق.ت. می‌شود.

باید توجه داشت که صرف‌نظر از محدودیت مهلت اعتراض ثالث به ورشکستگی، سایر قواعد راجع به مهلت که اغلب در مواد ۴۴۲ تا ۴۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر شده، در این موضوع نیز اجرا خواهد شد. از این رو و برای مثال، اگر پس از صدور رأی ورشکستگی، در خصوص آن، رأی اصلاحی صادر شده باشد، مهلت اعتراض ثالث از تاریخ ابلاغ رأی اصلاحی محاسبه می‌شود (ملاک تبصره یک ماده ۳۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی).

ماده ۲۳۱ قانون تجارت الجزایر صراحت دارد: مهلت اعتراض به احکام صادره در ماده حل و فصل قضایی یا اعلام ورشکستگی، از تاریخ صدور حکم، ۱۰ روز می‌باشد. در مورد احکام تابع اقدامات ابلاغیه و انتشار در روزنامه‌های معتبر جهت انتشار ابلاغیه‌های قانونی یا نشریه‌های رسمی ابلاغیه‌های قانونی، این موعد پس از اتمام آخرین اقدام لازم، جاری می‌شود.

قانون‌گذار الجزایر با نادیده گرفتن اصل عمومی، مدت اعتراض به حکم ورشکستگی را ۱۰ روز از تاریخ صدور رأی معین کرده است. بنابراین حکم ورشکستگی تابع اقدامات ابلاغی نیست و به تبع آن، مهلت

^{۲۷} رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۰۵ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^{۲۸} سیمایی صراف، حسین. حقوق ورشکستگی و تصفیه اموال ورشکسته. (چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷)، ۹۴.

اعتراض به رأی، از تاریخ انشای آن آغاز می‌شود. در مورد احکامی که تابع اقدامات نشر و اعلان می‌باشد، مهلت ۱۰ روزه از تاریخ اتمام آخرین اقدام لازم آغاز می‌گردد.

۴. راهکارهای کاهش سوء استفاده از مهلت اعتراض ثالث نسبت به ورشکستگی

برای کاستن از سوء استفاده از مهلت اعتراض ثالث نسبت به ورشکستگی، راهکارهایی وجود دارد که البته در همه مصادیق قابل اجرا نیستند. در این گفتار، تفکیک میان حکم ورشکستگی و تعیین تاریخ توقف و امکان اعاده دادرسی، دقت در رسیدگی به دعاوی ورشکستگی، استیناف از حکم ورشکستگی و بطلان نسبی در قراردادهای تاجر ورشکسته، به ترتیب بررسی می‌شوند.

۴-۱. تفکیک میان حکم ورشکستگی و تعیین تاریخ توقف و امکان اعاده دادرسی

«منافع اشخاص ذی نفع در دعاوی ورشکستگی در خصوص تاریخ توقف متعارض و متضاد است. مثلاً طلبکاران و گاهی خود تاجر ترجیح می‌دهند که تاریخ توقف هرچه ممکن است به گذشته دورتر عطف شود تا معاملات بیشتری در معرض بطلان یا فسخ قرار گرفته و بدین وسیله به دارایی تاجر افزوده شود. در حالی که منافع بستانکارانی که طلب خود را وصول کرده‌اند ایجاب می‌کند که این تاریخ به زمان بعد از وصول مطالبات آنان عطف شود تا دریافتی آنها ابطال نشود».^{۲۹}

ماده ۵۳۶ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است». این ماده علی‌الظاهر میان «حکم اعلان ورشکستگی» و «حکم تعیین تاریخ توقف» قابل به تفکیک شده است. تفکیکی که نه تنها در رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور بدان توجه نشده، بلکه در رویه قضایی نیز جایگاه آن مشخص نمی‌باشد.

«با صراحت ماده ۵۳۶ قانون تجارت مبنی بر امکان اعتراض به تاریخ توقف مستقل از اعتراض به صدور حکم ورشکستگی در مهلت‌های تعیین شده، مشروط به اینکه تاریخ توقف نیز مستقل (تاریخ توقف متفاوت) از تاریخ صدور حکم ورشکستگی باشد، و مفاد ماده ۵۳۸ آن قانون که تلویحاً امکان اعتراض به تاریخ توقف تا زمان تصدیق یا رد ادعای طلب بستانکاران ورشکسته را ممکن دانسته است، تردیدی در امکان تغییر تاریخ توقف بعد از صدور حکم ورشکستگی و مضمی مهلت‌های مقرر در ماده ۵۳۷ قانون تجارت وجود ندارد».^{۳۰}

با توجه به بحث فوق، پرسش این است که آیا می‌توان حکم ورشکستگی را به دو قسمت «ورشکستگی» و «تاریخ توقف» تقسیم کرد و مهلت اعتراض ثالث به این دو را نیز تابع قواعد متفاوتی دانست؟ به‌ویژه که ماده ۵۳۸ قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱)، حق طلبکارها برای تعیین تاریخ توقف را تا «انقضای مهلتی که

^{۲۹} سیمایی صراف، حسین. حقوق ورشکستگی و تصفیه اموال ورشکسته. / چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷، ۹۰.

^{۳۰} حاجلی، نعمت‌اله و کوهنورد، ابودر. «اعتراض ثالث به رأی ورشکستگی در آیین رویه قضایی». (مجله پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. دوره ۱۷، شماره ۳۵، آبان ۱۳۹۷)، ۱۸۹.

برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده» مقرر کرده و آن را محدود به مهلت مذکور در ماده ۵۳۷ این قانون نکرده است.

در فرض پذیرش این رویکرد، اعتراض شخص ثالث به حکم ورشکستگی از این حیث که تاجر را از مداخله در اموال خود ممنوع کرد و برای او حجر مالی برقرار می‌کند، از حیث مهلت تابع قانون تجارت (ماده ۵۳۷ این قانون) بوده و اعتراض ثالث به تاریخ توقف (از این جهت که تاجر از چه تاریخی، با محدودیت مداخله در امور مالی خود، محسوب می‌گردد)، مشمول مقررات قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد که در آن مهلتی برای اعتراض شخص ثالث تعیین نشده است.

باید توجه داشت که طریق اعاده دادرسی برای شکایت از حکم ورشکستگی یا تعیین تاریخ توقف، مسدود نمی‌باشد و در صورت حصول شرایط یکی از جهات هفت‌گانه مذکور در ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی، محکوم علیه چنین حکمی می‌تواند به این شیوه متوسل شود.^{۳۱} در حقوق مصر و الجزایر نیز این موضوعات در قانون تجارت تعیین نشده و به قواعد عمومی مقرر در قوانین آیین دادرسی واگذار شده است.

«گاه تاجر یا دیگر اشخاص ذینفع، نسبت به حکم ورشکستگی اعتراض ندارد بلکه نسبت به تاریخ توقف و تقدم یا تاخر آن اعتراض دارند. مهلت‌های مقرر در ماده ۵۳۷ ق.ت. ناظر به شکایت و اعتراض نسبت به تاریخ توقف نیز می‌باشد و مطابق آن، اعتراض تاجر نسبت به تاریخ توقف باید ظرف مهلت ده روز از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی و اعتراض اشخاص ذی نفع مقیم ایران اصولاً باید ظرف یک ماه و افراد مقیم خارج ظرف دو ماه از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی به دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی رسیدگی می‌شود و دادگاه اگر اعتراض را وارد و موجه دانست، تاریخ توقف را تغییر می‌دهد وگرنه، اعتراض را رد می‌کند.

با این وجود، ماده ۵۳۸ ق.ت، مهلت اعتراض نسبت به تاریخ توقف از سوی طلبکاران را توسعه داده است. در بحث تصفیه امور ورشکستگی مهلتی تحت عنوان مهلت تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکاران وجود دارد که طی آن مدت طلبکاران فرصت دارند مدارک و مستندات طلب خود را به اداره تصفیه تحویل دهند تا بررسی شود و طلب طلبکاران مشخص و تصدیق شود. ماده ۵۳۸ ق.ت، بیان می‌دارد که تا پایان این مهلت، اشخاص طلبکار می‌توانند تغییر تاریخ توقف را از دادگاه تقاضا کنند بعد از سپری شدن مهلت مزبور هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها برای تغییر تاریخ توقف پذیرفته نیست».^{۳۲}

۲-۴. دقت در رسیدگی به دعاوی ورشکستگی

سوء استفاده از دعاوی ورشکستگی، امری نیست که بتوان آن را انکار کرد یا نادیده گرفت. همان‌طور که گفته‌اند: «قانون تجارت و مفاهیم جدیدی که در حوزه ورشکستگی مطرح می‌شوند، بسیار از هم فاصله دارند؛ به خصوص که در دکترین حقوقی و نظریات اخیر، ورشکستگی را به مفهوم انحلال شرکتها نمی‌دانند؛ چیزی که متأسفانه در رویه قضایی باب و رایج است و بسیاری از شرکتها با تحصیل احکام ورشکستگی از این

^{۳۱} افتخارچهرمی، گودرز و مصطفی‌السان. آیین دادرسی مدنی، جلد دوم. (چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۴۰۱)، ۳۴۳-۳۲۵.

^{۳۲} عبدی‌پور فرد، ابراهیم. حقوق ورشکستگی (حقوق تجارت جلد چهارم)، (چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۱)، ۱۴۱.

موضوع سوءاستفاده می‌کنند. در حال حاضر در نظام های حقوقی دیگر، ورشکستگی پروسه‌ای است که بیشتر به دنبال ادغام و تجدید و احیای شرکتهای تجاری است و انحلال شرکت تجاری به نوعی در خاتمه امر قرار می‌گیرد».^{۳۳}

وفق ماده ۲۰ دستورالعمل «پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قوه قضائیه» (مصوب ۱۳۹۶/۰۶/۲۹ رئیس قوه قضائیه)، «رؤسای کل دادگستری و دادستان‌ها مکلف هستند حسب مورد اقدامات زیر را انجام دهند: ... (خ) نظارت بر انجام وظیفه دادرها و دفاع از حقوق عمومی در پرونده‌های ورشکستگی صوری در محاکم حقوقی و شناسایی موارد ورشکستگی به تقصیر و تقلب». در بند (۸) ماده ۳ دستورالعمل حمایت قضایی از سرمایه‌گذاری در قوه قضائیه (مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ رئیس قوه قضائیه) نیز «اقدام پیشگیرانه و حمایتی در جهت جلوگیری از ورشکستگی و ایجاد زمینه تداوم فعالیت تاجر بدهکار» مقرر شده بود.

هدف از چنین اقداماتی، برپا نگه داشتن شرکتها و مؤسسات تولیدی و تجاری به منظور صیانت از حقوق کارگران و خانواده‌های آنها و پیشگیری از خروج سرمایه از این شرکتها و مؤسسات در قالب اعلام ورشکستگی و سپس انحلال و فروش دارایی‌های آن و نیز پیشگیری از زیان بانکها و مؤسسات مالی از حیث اثر ورشکستگی در بازپرداخت اصل و سود تسهیلات بانکی می‌باشد.

۳-۴. استیناف از حکم ورشکستگی

همان گونه که به درستی گفته‌اند: «نظر به استعمال عبارات «اعتراض»، «استیناف» و «تمیز» در مواد ۵۳۶ الی ۵۴۰ قانون تجارت ذیل شکایت از حکم ورشکستگی، منطقی‌ا باید انتظار داشت که اعتراض موضوع مواد ۵۳۷ و ۵۳۸ قانون تجارت، اعتراضی جدای از استیناف موضوع ماده ۵۳۹ قانون تجارت باشد. در غیر این صورت، دلیلی ندارد دو نوع اعتراض مشابه از سوی مقنن وضع شود. این درک منطقی با قرینه به کار بردن الفاظ استیناف و تمیز در کنار اعتراض قابل برداشت است. به عبارت دیگر، استیناف، اگرچه اعتراض تلقی می‌شود ولی قدر متیقن، اعتراض موضوع مواد ۵۳۷ و ۵۳۸ قانون تجارت نیست».^{۳۴}

دیدگاهی که می‌توان طرح کرد و آن را در رویه قضایی به آزمون گذاشت این است که با توجه به قدیمی بودن قانون تجارت و نظر برخی محاکم به عدم شمول قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نسبت به مقررات قانون تجارت در زمینه ورشکستگی، باید قبول کرد که مقرراتی که همزمان یا در یک دوره با قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به تصویب رسیده‌اند، در خصوص قانون تجارت حاکم بوده و هنوز نسخ نشده‌اند.

^{۳۳} اظهارنظر خانم ثعوری، دادیار و نماینده دادستان تهران؛ رجوع کنید: نجفی، نجفی، حمیدرضا. «گزارش نشست نقد رأی: طرف

دعوی ورشکستگی (نقد رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران)»، ۱۴۶.

^{۳۴} مجید بنائی اسکویی. «شکایت از حکم ورشکستگی از منظر دکترین و رویه قضایی در پرتوی رأی وحدت رویه شماره ۱۷۸۹»، (فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، دی ۱۴۰۰)، ۹۷.

مطابق با ماده ۶۰ قانون محاکم تجارت (مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ قمری)، «سایر قواعد راجعه به عرضحال استینافی و ترتیبات محاکمه در محکمه استیناف نسبت به احکام محاکم تجارت همان است که برای احکام محاکم حقوقی مقرر است». در این راستا ماده ۵ قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری (مصوب ۲۸ دی ماه ۱۳۱۴)، تصریح دارد «رسیدگی ماهیتی به هر دعوی دو درجه (بدوی و استینافی) خواهد بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد».

به موجب ماده ۵۳۹ قانون تجارت، مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است. بنابراین استیناف از حکم ورشکستگی مفهومی متفاوت از اعتراض در ماده ۵۳۷ است و لذا طلبکارانی که ذینفع در نقض رای ورشکستگی یا تغییر تاریخ توقف می‌باشند، دارای حق استیناف هستند. به موجب ماده ۳۵۱ قانون متمم اصلاح اصول محاکمات جزایی (مصوب ۱۲ مهر ماه ۱۳۱۱ شمسی کمیسیون قوانین عدلیه)، اشخاصی که حق تقاضای استیناف دارند از جمله شامل «مدعی خصوصی از حیث ضرر و زیان» می‌باشد.

در حقوق مصر، بر اساس نص صریح بند یک ماده ۵۶۵ قانون تجارت شماره ۱۷ سال ۱۹۹۹ شخص ذی‌نفع غیر از طرفین دعوا، مجاز است در دادگاهی که حکم ورشکستگی را صادر نموده، به این حکم اعتراض نماید. دادگاه استیناف عالی قاهره در مورد اعتراض شماره ۱۷۷ سال ۴ ق جلسه ۷/۲/۲۰۰۱ بر اساس نص صریح ماده ۵۶۵ قانون شماره ۱۷ سال ۱۹۹۹ قانون تجارت مقرر داشت: هر شخص ذینفع ثالث غیر از طرفین دعوا مجاز است به حکم ورشکستگی در دادگاهی که آن را صادر کرده است طی ۳۰ روز از تاریخ انتشار آن در روزنامه‌ها اعتراض نماید به شرطی که این حکم مورد تجدیدنظرخواهی قرار نگرفته باشد که در این صورت، اعتراض به دادگاه تجدیدنظر ارایه می‌گردد. در واقع، در حقوق مصر استیناف به همان مفهوم اعتراض شخص ثالث در نظر گرفته شده است.

۴-۴. بطلان نسبی در قراردادهای تاجر ورشکسته

یکی از مهمترین آثار حکم ورشکستگی، تاثیر این حکم بر معاملات تاجر قبل و بعد از تاریخ توقف می‌باشد. ماده ۴۲۳ قانون تجارت اعمال حقوقی تاجر را در صورت کاهش یافتن یا مقید شدن دارایی وی، باطل اعلام کرده است. مبنای بطلان این اعمال حقوقی بعد از تاریخ توقف، منع تاجر از انجام معامله به قصد فرار از پرداخت دیون طلبکاران می‌باشد که ریشه در نظم عمومی دارد. با توجه به مقررات مربوط به ورشکستگی در مواد ۴۱۸، ۴۲۳ و ۵۵۷ قانون تجارت و دکترین حقوقی و رویه قضایی می‌توان این دیدگاه را تقویت کرد که برخی از معاملات تاجر پس از تاریخ توقف به صورت نسبی باطل است؛ یعنی معامله بین دو طرف نافذ است؛ اما در برابر طلبکاران قابل استناد نبوده و قابل ابطال می‌باشد.^{۳۵}

^{۳۵} برای بحث تفصیلی در این خصوص، رجوع کنید: السان، مصطفی؛ مرادی، عبدالرحیم و ایثاری، مهدی. «حمایت از شخص ثالث از طریق نهاد بطلان نسبی در قراردادهای تاجر ورشکسته». (فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان. اسفند ۱۴۰۱).

۵. نتیجه و راهکارها

حقوق هر سه کشور ایران، مصر و الجزایر در بحث مهلت اعتراض ثالث به ورشکستگی، مقنن در میان حقوق معترض ثالث، حقوق تاجر، بستانکاران و منافع عمومی، به محدود کردن مهلت اعتراض شخص ثالث گرایش پیدا کرده است. این امر با وضع ماده‌ای خاص برای تعیین مهلت اعتراض ثالث به ورشکستگی در قانون تجارت ایران، مصر و الجزایر مشهود می‌باشد. در واقع، مقنن فرض کرده است که اعتراض ذینفعان به حکم ورشکستگی باید پایانی داشته باشد و با لحاظ اینکه در پس حکم ورشکستگی، اقداماتی همچون تعیین و تصدیق بستانکاران، تعیین تکلیف قراردادهای منعقد شده توسط تاجر ورشکسته، قرارداد ارفاقی و تصفیه و پرداخت مطالبات، انجام می‌شود؛ نمی‌توان اعتراض ثالث را - آن‌گونه که قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته - بدون مهلت دانست.

در عین حال، این وضعیت نباید به معنای نادیده انگاشتن یا کنار گذاشتن دیگر قواعد دادرسی، به‌ویژه شیوه‌های شکایت از رأی باشد که در قانون آیین دادرسی مدنی مقرر شده است. در نتیجه، اگر حکم ورشکستگی با حيله و تقلب تحصیل گردیده باشد، باید به معترض ثالثی که اعتراض وی با حکم روبرو شده، حق داد تا نسبت به این حکم اعاده دادرسی نماید. به‌ویژه که حيله و تقلب منتهی ورشکستگی در ایران امری محتمل می‌باشد. چراکه بدهکاران عمده، ضمن تبانی با برخی از طلبکاران خرد و بدون خوانده قرار دادن بستانکاران اصلی، موفق به تحصیل حکم ورشکستگی می‌شوند که نسبت به همه بستانکاران مؤثر است. بنابر قواعد عمومی حاکم بر دادرسی مدنی در حقوق سه کشور ایران، مصر و الجزایر حيله و تقلبی که جهت اعاده دادرسی محسوب می‌گردد، ممکن است وصف مجرمانه نداشته باشد. بنابراین، اثبات حيله و تقلب می‌تواند به موجب حکم نهایی دادگاه حقوقی به عمل آید. مانند اینکه خواهان اطلاعات غلطی به کارشناس می‌دهد و موجب می‌گردد که وی در نظر تخصصی خود دچار اشتباه شده و تاریخ توقف را متفاوت از تاریخ واقعی آن تشخیص دهد. در این مورد حتی اگر سوء نیت خواهان احراز نشود، اما ارایه اطلاعات غلط که منتهی به ارایه نظریه به زیان خوانده شده، اثبات گردد، حيله و تقلبی که جهت اعاده دادرسی محسوب می‌گردد، محقق خواهد بود.

منابع:

الف. کتب و مقالات فارسی:

احمدی، خلیل. «تاملی در شرایط دعوی اعتراض شخص ثالث». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی. دوره ۴، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۵: ۳۳-۹.

افتخارچهرمی، گودرز و مصطفی‌السان. آیین دادرسی مدنی، جلد دوم. چاپ سوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۴۰۱.

افتخاری، جواد. حقوق تجارت ۴ - (نظری و کاربردی) ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۹.

بنائی اسکوئی، مجید. «شکایت از حکم ورشکستگی از منظر دکترین و رویه قضایی در پرتوی رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی. دوره ۱۰، شماره ۳۷، دی ۱۴۰۰.

حاجلی، نعمت‌اله و کوهنورد، ابودر. «اعتراض ثالث به رأی ورشکستگی در آیین رویه قضایی». مجله پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. دوره ۱۷، شماره ۳۵، آبان ۱۳۹۷: ۱۷۱-۱۹۸.

السان، مصطفی؛ مرادی، عبدالرحیم و ایثاری، مهدی. «حمایت از شخص ثالث از طریق نهاد بطلان نسبی در قراردادهای تاجر ورشکسته». فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان. اسفند ۱۴۰۱.

سیمایی‌صراف، حسین. حقوق ورشکستگی و تصفیه اموال ورشکسته، چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷.

عبدی‌پور فرد، ابراهیم. حقوق ورشکستگی (حقوق تجارت، جلد چهارم)، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۱.

نجفی، حمیدرضا. «گزارش نشست نقد رأی: طرف دعوای ورشکستگی (نقد رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران)». فصلنامه رأی، دوره ۳، شماره پیاپی ۹، اسفند ۱۳۹۳: ۱۵۱-۱۳۳.

ب. رویه قضایی ایران:

رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۱۲۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۲۰۹۹۸۰۰۱۱۱۰۰۶۴۳ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۰ شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۰۵ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۱۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۷ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۳۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۳۰ شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۳۳۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۳۱ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۱۳۴۸ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۱۴۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۶ شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۴۱۸۰۰۵۰۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۵ شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۲۲۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۰ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

ج. منابع عربی:

برباره، عبدالرحمان. شرح قانون الاجراءات المدنیة و الإداریه، الجزائر: منشورات بغدادی، ۲۰۰۹.

خلیل، احمد محمود. الافلاس التجاری و الاعسار المدنی، الاسکندریه: منشأ المعارف، ۱۹۹۹.

دویدار، محمد طلع. الطعن فی حکم الافلاس، مصر: دار الجامعیة الجدیدة للنشر، ۲۰۰۸.

فایز، رضوان نعیم. قانون التجاره، الجزء الثانی، العقود التجاریه و الافلاس، الطبعة الثالثة، القاهرة: دار النهضه

العربیة، ۲۰۰۲-۲۰۰۱.

القلیوبی، سمیحه. أحكام الإفلاس، الطبعة الأولى، القاهرة: دار النهضه العربیة، ۲۰۰۸.

كمال طه، مصطفى. اصول القانون التجارى، الاوراق التجارويه و الافلاس، لبنان: منشورات الحلبي الحقوقيه، ٢٠٠٦.

محرز، احمد محمد. نظام الافلاس فى القانون التجارى الجزائرى، الطبعة الثانويه، الجزائر: د.د.ن، ٢٠٠١.
الهلالا، محمد على و محمد عليان العزام. «النظام القانونى لصدور حكم بشهر الإفلاس فى القانون الأردنى مقارنة مع القانون المصرى»، دفاثر السياسه والقانون، العدد الخامس عشر، جوان ٢٠١٦: ٦٦٧-٦٨١.

A comparative study of the third objection to bankruptcy in the laws of Iran, Egypt and Algeria

Abstract:

The issue of third party objection to the bankruptcy award is one of the important issues in the legal system of Iran. Fluctuation of prices and existence of inflation in the economy, economic sanctions and ambiguity in Acts and regulations are among the factors that cause the issue of real or virtual bankruptcy of businessmen in the court. Due to the fact that bankruptcy directly affects the rights of creditors and the amount of debt of the bankrupt businessman, in the laws of different countries, third-party objections to bankruptcy are foreseen and special regulations, rules and works have been established for this issue. The similarity of the deadline for third-party objection to bankruptcy in the laws of Iran, Egypt and Algeria implies that this type of protest is bound by the deadline and does not comply with the general provisions of the Civil Procedure Law.

In this paper, with a comparative study in the laws of Iran, Egypt and Algeria, the concept of a third-party objector in protesting bankruptcy, the formalities of filing and handling a third-party objection to bankruptcy and its effects, the deadline for filing a third party objection to the bankruptcy award, and ways to reduce the abuse of the deadline of third objection to bankruptcy is considered. Separation between the bankruptcy award and determination of the suspension date, the possibility or impossibility of resuming the bankruptcy award, Careful handling of suspension and bankruptcy lawsuits, the possibility or impossibility of appealing the bankruptcy judgment and partial invalidity in the contracts of the bankrupt businessman are among the solutions to reduce the abuse of bankruptcy regulations which is examined in this article and related practical and executive solutions for the rights of Iran will be presented.

Keywords: third party objection, bankruptcy, deadline, suspension date, judicial procedure.